

بعضی از دانشمندان و نویسندگان سعی کرده‌اند توضیح بدهند خلاقیت چیست اما کارشان فایده چندانی نداشته است. چون همه ما تقریباً می‌دانیم خلاقیت چیست. وقتی موفق می‌شویم راه‌حل‌های تازه‌ای را برای حل یک مشکل یا مسئله پیدا کنیم، وقتی با شکل‌ها یا مواد ساده، رفتارها و کارهای روزمره‌مان می‌یابیم، در حقیقت خلاقیت به خرج داده‌ایم. خلاقیت یعنی همین؛ یعنی ساختن، ایجاد کردن، کشف کردن! البته خلاقیت هم قواعد خاص خودش را دارد. اگر می‌خواهید به یک آدم کاملاً خلاق تبدیل شوید، با ما همراه شوید.

برای این که به چیزی برسید، قبل از هر کاری باید موانع را بشناسید و برای برداشتن آن‌ها اقدام کنید. وقتی تشنه می‌شوید، باید آب بخورید! اما برای این که آب بخورید باید موانع آن را از میان بردارید. راستی چه چیزی نمی‌گذارد شما یک آدم خلاق باشید؟ درباره چیزهای دیگر ممکن است برخی عوامل بیرونی و درونی مانع شما باشند، اما برای پیدا کردن موانع خلاقیت اصلاً بیرون از خودتان دنبال چیزی نگردید. موانع اصلی دقیقاً در خود شما هستند. بعضی از آن‌ها را به سرعت می‌توانید پیدا کنید و البته بعضی از آن‌ها با مهارت در شما مخفی شده‌اند، اما هیچ کدامشان نمی‌توانند تا مدت زیادی خودشان را از دید شما پنهان کنند. شما پیدایشان می‌کنید.

به تصاویر صفحه بعد نگاه کنید و بعد از آن که از دیدن آن‌ها به اندازه کافی لذت بردید و شگفت‌زده شدید، از خودتان بپرسید چه اتفاقی می‌افتد که فردی مثل شما و دیگران به ذهنش می‌رسد با همان وسایل و امکاناتی که شما و دیگران در اختیار دارید، چیزی را بسازد که تا به حال مانندش را ندیده‌اید. چگونه توانسته است شما را شگفت‌زده کند؟ و بعد سؤال اصلی را بپرسید. چرا دیگران نتوانند این کار را در زمینه‌های مختلف و با ابزار و مواد مختلف انجام دهند؟ چه چیزی مانع است؟

چگونه به یک آدم خلاق تبدیل شوم؟

حسین شعاعی



ترس! اتفاقی نمی‌افتد

ترس را خداوند برای این آفرید که انسان از خطر دوری کند. ما باید از هر چه که واقعاً خطرناک است بترسیم، اما گاهی ترس‌ها دلیلی ندارند و فقط به این درد می‌خورند که نگذارند ما تجربه‌های جدیدی کسب کنیم. تجربه‌هایی که خطری ایجاد نمی‌کنند، به کسی آسیب نمی‌رسانند و خسارتی به بار نمی‌آورند. فقط ذهن ما را به سوی افق‌های تازه باز می‌کنند.

ترسی که معمولاً بیش‌ترین مقاومت را در برابر خلاقیت انجام می‌دهد، ترس از شکست است. شکست، اتفاق چندان عجیبی نیست و تقریباً هیچ آدم موفقی را نمی‌بینید و نخواهید دید که قبلاً بارها و بارها شکست نخورده باشد. با این حال، خیلی از آدم‌ها از ترس این که فکر جدیدشان با شکست روبه‌رو شود و حرف تازه‌شان به اندازه کافی شنیده نشود یا طرح مبتکرانه‌ای که در ذهن دارند به درستی اجرا و عملیاتی نشود، بی‌خیال همه چیز می‌شوند و همان کاری را انجام می‌دهند که همه مشغولش هستند. همه بطری‌های استفاده شده را توی سطل آشغال می‌اندازند. آن‌ها هم می‌اندازند. آیا نمی‌توان با این بطری‌ها، کار خلاقانه‌ای انجام داد؟ بنابراین اولین کاری که باید انجام دهید این است که ترس را از خود دور کنید. به ذهنتان اجازه بدهید آزادانه حرکت کند و با بلندپروازی امکان‌ها و احتمال‌های مختلف را حدس بزنند. کسی یقه شما را برای بررسی احتمال‌های مختلف نخواهد گرفت. همچنین کسی به تصویرهای عجیب‌وغریبی که در ذهن خود از وسایل معمولی اطرافتان می‌سازید نخواهد خندید. بعد هم با اعتمادبه‌نفس کامل کار را شروع کنید و از همان آغاز آمادگی لازم را برای شکست داشته باشید. اصلاً برای شکست خوردن کار کنید! ولی کارتان را پیش ببرید؛ مثل خلبان ماهری که با شجاعتی نزدیک به دیوانگی، هواپیمایش را در آسمان می‌چرخاند و بیننده‌ها را انگشت به دهان می‌گذارد. ●

